

موضوع قانون امنیت اجتماعی دکتر مصدق

و ارتباط آن با ساواک

امیر فیض- حقوقدان

درباره این موضوع که آیا قانون تاسیس ساواک از قانون امنیت اجتماعی دکتر مصدق نشأت یافته است یا خیر بقرار زیر و با استفاده از خاطره های فقیرم میتوان چنین اظهار داشت:

اساسا اینطور تصور میکنم که در جامعه ایرانی هیچ چیز نمیتواند به قطعیت برسد یعنی قطعیت هیچگاه جایگزین نظرات شخصی نمیشود و شاید بتوان صفت <مرغ یک پادارد> را قرینه گرفت.

در دنیای علم و فکرو طرح هر چیزی را میتوان مقدمه ویا از اسباب ویا از افکار چیز دیگری گرفت و هر قدر دامنه این مطلوب وسیع وبدون مانع است مقاومت در مقابل آن بسیار سخت وبجائی نرسیدن است.

زیرا هیچ معیار حقوقی وحتى عرفی برای تشخیص این رابطه ادعائی وجود ندارد وقانون ثبت اختراعات و طرح های صنعتی با همین انگیزه وضع شده است ولی محدوده عملکرد آن نیازی به توضیح نیست.

ارتباط دادن قانون امنیت اجتماعی مصدق به قانون ساواک هم یکی از همان ادعا های نامحدود است.

اساسا طرح امنیت اجتماعی دکتر مصدق صورت قانونی پیدا نکرد و کسانی مانند دکتر معظمی ومکی و بقائی ودکتر شایگان آنرا مخالف قانون اساسی میدانستند و از نظر کلی چیزی که مخالف قانون باشد خودش که اعتبار ندارد هیچ نمیتواند ملاک یک تصمیم قانونی دیگری بگردد.

آنچه که در تعارض بین قانون ساواک و طرح امنیت اجتماعی دکتر مصدق مشهود است تفاوت واختلاف فاحش در موضوع وماهیت ودائره عمل قانون تاسیس ساواک و طرح امنیت اجتماعی است.

ساواک برای جمع آوری اطلاعات از فعالیت های عوامل خارجی تاسیس شد وقسمت امنیت داخلی ساواک هم برای شناسائی افرادی که در خدمت به بیگانه فعالیت میکردند شکل گرفت. در حالیکه طرح امنیت اجتماعی دکتر مصدق برای حمایت دولت بوجود آمد؛ قرانت طرح مزبور کاملا نشان میدهد که منظور وهدف طرح اجتماعی دکتر مصدق برای استحکام و رفع مزاحمت ازدولت خودش در مقابل اعتصاب و اعتراض بوده است.

موضوع دیگر اینکه اساسا فکرتشکیل ساواک آنطور که سوابق نشان میدهد (کتاب والاحضرت اشرف) یک فکرو طرح آمریکائی بوده است؛ آقای سالیون در کتابش شکل گیری وایجاد ساواک را از ابتکارات سازمان سیا دانسته و اضافه کرده است که سازمان سیا در سال ۱۹۵۷ طرح مسئله یک سازمان جدید را به شاه داد و خود سازمان سیا هم در تاسیس آن مشارکت داشت.

نمیشود باور کرد که سازمان سیا که در تاسیس بیشتر سازمان های اطلاعاتی کشورها دخالت داشته و یا کارشناس اعزام میکرده آنقدر بی اطلاع و ناشی بوده که از طرح امنیت اجتماعی مصدق نسخه برداری کرده است.

معهدا از آنجا که در جامعه ایرانی ما قطعیت حکم اجتماعی مفهوم ندارد، حتی گروهی از مخالفان دکتر مصدق به نادرست تاسیس ساواک را بعلت طرح تامین امنیت اجتماعی دکتر مصدق میدانند، و میگویند اگر مصدق از قانون اختیارات استفاده نمیکرد و آن لایحه امنیت اجتماعی را فراهم نمیساخت ساواک بوجود نمیآمد.

ساواک در سال ۱۳۳۵ تاسیس شد در حالیکه لایحه اختیارات و امنیت اجتماعی در سال ۳۱ بوده است و موضوعا در دوجبهت داخلی و خارجی قرارداد داشته اند.

محققین تاریخ عصر پهلوی ارتباط تاسیس ساواک را با لایحه امنیت اجتماعی مصدق مردود میدانند؛ آقای مصطفی الموتی در کتاب عصر پهلوی و شادروان سیاوش بشیری در کتاب ساواک به عدم ارتباط ساواک با طرح امنیت اجتماعی پرداخته اند.



طرح تشکیل ساواک و طرح امنیت اجتماعی مصدق در زیر آورده شد، تا مشخص شود طرح ساواک به منظور جلوگیری از نفوذ بیگانگان و همکاری عوامل داخلی با بیگانگان در جهت حفظ تمامیت ارضی و امنیت همگانی، ولی طرح امنیت اجتماعی مصدق تنها برای جلوگیری از اعتصاب و تظاهرات علیه دولت مصدق و آنهم در مدت محدود سه ماه بوده است.

نخست طرح تشکیل ساواک:

مجلس شورای ملی در اسفندماه سال ۱۳۳۵ تاسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) را مطابق قانون زیر به تصویب رساند:

ماده ۱ - برای حفظ امنیت کشور و جلوگیری از هرگونه توطئه که مضر به مصالح عمومی است، سازمانی به نام اطلاعات و امنیت کشور وابسته به نخست وزیری تشکیل می شود و رئیس سازمان، سمت معاونت نخست وزیر را داشته و به فرمان اعلیحضرت همایونی شاهنشاهی منصوب خواهد شد.

ماده ۲- سازمان اطلاعات و امنیت کشور دارای وظایف زیر است:

الف - تحصیل و جمع آوری اطلاعات لازم برای حفظ امنیت کشور.

ب - تعقیب اعمالی که متضمن قسمتی از اقسام جاسوسی است و عملیات عناصری که بر ضد استقلال و تمامیت کشور و یا به نفع اجنبی اقدام می کنند.

ج - جلوگیری از فعالیت جمعیت‌هایی که تشکیل و اداره کردن آن غیرقانونی اعلام شده و یا بشود و همچنین ممانعت از تشکیل جمعیت‌هایی که مرام و یا رویه آن‌ها مخالف قانون اساسی باشد.

د - جلوگیری از توطئه و اسباب‌چینی برضد امنیت کشور.

ه - بازرسی و کشف تحقیقات نسبت به نیروهای زیر:

۱- بزه‌های منظور در قانون مجازات مقدمین بر علیه امنیت و استقلال مملکتی مصوب

۲۲ خرداد ۱۳۱۰.

۲- جنحه و جنایاتی که در فصل اول باب دوم قانون کیفر عمومی مصوب ۲۲ دی‌ماه

۱۳۰۴ پیش‌بینی شده است.

۳- بزه‌های مذکور در موارد ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۶ و ۳۱۷ قانون

دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۷.

ماده ۳- مأمورین سازمان اطلاعات و امنیت کشور از حیث طرز تعقیب بزه‌های مذکور در این قانون و انجام وظایف، در زمره ضابطین نظامی خواهند بود و از تاریخ تصویب این قانون، رسیدگی به کلیه بزه‌های مذکور فوق، در صلاحیت دادگاه‌های دائمی نظامی خواهد بود.

تبصره ۱- انجام وظایف و تکالیف سازمان اطلاعات و امنیت کشور از حیثی که ضابط نظامی محسوبند، به هیچ‌وجه مانع انجام وظایف و تکالیفی که به موجب قانون دادرسی و کیفر ارتش بر عهده ضابطین نظامی است، نخواهد بود و همچنین مواد این قانون و احکام و آئین‌نامه‌ها و مقرراتی که مربوط به تکالیف مأمورین نظامی و ژاندارمری و شهربانی نسبت به انجام وظایف و خدمات محوله است، نمی‌باشد.

تبصره ۲- رسیدگی به بزه‌هایی که به موجب این قانون، در صلاحیت دادگاه دائمی نظامی شناخته شده و متهمین به ارتکاب بزه‌های مزبور که قبل از تصویب این قانون در مراجع صالح دیگر تحت تعقیب قرار گرفته‌اند، هرگاه بر علیه متهمین کیفرخواست صادر نگردیده، پرونده‌های متشکله به دادستانی ارتش جهت تعقیب و رسیدگی فرستاده می‌شود و نسبت به پرونده‌هایی که کیفرخواست صادر شده در دادگاه‌های مربوط رسیدگی خواهد شد.

ماده ۴- کارمندان سازمان اطلاعات و امنیت کشور، هرگاه متهم به ارتکاب بزه‌های شومند که راجع به خدمت بوده یا ملازمه با خدمات و وظایف آن‌ها داشته باشد، در حکم نظامیان و خدمتگزاران ارتش هستند و با رعایت مقررات قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۷ تابع دادگاه‌های دائمی نظامی خواهند بود.

ماده ۵- اساسنامه سازمان و آئین‌نامه‌های داخلی و استخدامی و مالی مربوط به این قانون، با تصویب هیأت دولت قابل اجراء است.

=====

طرح قانون امنیت اجتماعی محمد مصدق:

متن قانون امنیت اجتماعی که به موجب اختیارات شش ماهه به تصویب و امضای دکتر مصدق رسیده بود، به شرح زیر است- اگر دقت بشود به تصویب مجلس و نمایندگان نرسیده و آنرا مصدق خودش به تنهایی در مقام نخست وزیر امضا کرده است:

لایحه قانون امنیت اجتماعی، که به تصویب دکتر مصدق - نخست‌وزیر - رسید و به وزارتخانه‌های دادگستری، دفاع ملی، کار، کشور، دارایی و سازمان برنامه جهت اجرا ابلاغ گردید:

ماده ۱- هر کس کارگران و کارمندان کارخانه‌ها و کارگاه‌های مشمول قانون کار و بنگاه‌ها را تحریک به اعتصاب و عصیان و نافرمانی و تمرد و یا اخلال در نظم و آرامش نماید، دستگیر و بازداشت شده و از سه ماه تا یکسال تبعید و ملزم به اقامت اجباری در نقطه معین خواهد شد. در مدت محکومیت تبعید و اقامت اجباری از اخذ مزد یا حقوق نیز محروم خواهد بود.

تبصره - اعتصاب در وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی و امثال آن و در مؤسسات مربوط به خدمات عمومی از قبیل آب و برق و پست و تلفن و تلگراف و رادیو و بیمارستانها و داروخانه‌ها و راه آهن دولتی و وسایل نقلیه عمومی مطلقاً [ممنوع است] و اعتصاب‌کنندگان به مجازات مزبور محکوم خواهند شد.

ماده ۲- هر کس کارمندان ادارات دولتی و مؤسسات عمومی را وادار به اعتصاب و یا تحریک به اخلال در نظم و آرامش و یا تمرد و عصیان نماید و همچنین کسانی که در ادارات و مؤسسات عمومی و دادگاه‌ها و دادرها برخلاف نظم و آرامش و انتظامات داخلی رفتار و جنجال و داد و فریاد و یا به منظور توهین و ارباب و تحت تأثیر قرار دادن مراجع اداری و قضایی و یا تحصن و یا هرگونه تظاهری نمایند، بازداشت و مجازات مقرر در ماده قبل برای آنها تعیین می‌گردد و همچنین مجازات درباره توطئه و مواضعه‌کنندگان برای اجرای اعمال مزبوره در این ماده و ماده فوق معمول خواهد شد و هرگاه مرتکب، کارمند دولت باشد، در مدت محکومیت و اقامت اجباری از اخذ مزد یا حقوق نیز محروم خواهد بود.

ماده ۳- اجتماعات آزاد است ولی اجتماعات در معابر عمومی و بازارها به منظور مبارزه و زد و خورد و همچنین اجتماعاتی که حرکات و تظاهرات آنها ایجاد اضطراب و تشویش در افکار عمومی نموده و یا نظم و آرامش و آسایش عمومی را مختل کند، ممنوع است. متخلفین برای مدت معینی از شش ماه تا دو سال تبعید و ملزم به اقامت اجباری خواهند شد. در صورتی که مرتکب، مستخدم دولت باشد، در مدت محکومیت تبعید و اقامت اجباری از گرفتن حقوق محروم خواهد بود.

ماده ۴- مأمورین انتظامی پس از بازداشت مرتکب، صورت مجلس مشتمل بر تحقیقات و شناسایی وی تهیه و پرونده امر را نزد دادستان می‌فرستند؛ دادستان در صورت ملاحظه قرینه بر توجه اتهام فوری، قرار بازداشت متهم را صادر و بلافاصله تحقیقات خود را در دادستانی یا معادل قضایی او انجام و در صورت فقد دلیل، دستور منع و رفع بازداشت را صادر و در صورتی که عقیده بر مجرمیت داشته باشد، کیفرخواست تهیه و به دادگاه می‌فرستد. **قرار دادستان مبنی بر بازداشت متهم قطعی و غیرقابل شکایت است.**

ماده ۵- گزارش مسئولین مؤسسات و رؤسای ادارات دولتی و مراجع قضایی و همچنین مامورین انتظامی معتبر است مگر خلافش ثابت شود .

ماده ۶- هرگاه دادستان یا معادل قضایی او حین وقوع حادثه مستحضر شده، موظف است که در محل وقوع حاضر شده و از تحقیقات و مشاهدات و دلایل و مدارک جمع‌آوری شده صورت مجلس ترتیب داده، طبق موارد مذکور فوق اقدام به عمل آورد.

ماده ۷- مرجع رسیدگی دادگاه جنحه یا قائم‌مقام آن می‌باشد، رسیدگی باید فوری و خارج از نوبت به عمل آمده و دادرسی تا صدور حکم، بدون فاصله جریان یابد، احکام دادگاه جنحه قطعی است.

تبصره - در نقاطی که حکومت نظامی اعلام گردد، اجرای مقررات این لایحه قانونی به عهده فرمانداری نظامی و حکم دادگاه بدوی حکومت نظامی قطعی است.

ماده ۸- مدت لایحه قانون سه ماه از تاریخ انتشار است.

ماده ۹- وزات دادگستری، جنگ، کشور، دارایی، کار و سازمان برنامه، مأمور اجرای این لایحه قانونی است.

بر طبق اعطای امتیازات مصوب بیستم مرداد ۱۳۳۱ لایحه قانونی راجع به امنیت اجتماعی که مشتمل بر ۹ ماده و دو تبصره است، تصویب می‌شود.

به تاریخ ۳۱/۸/۱ نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق.

=====

چنانکه مشاهده میشود و در ماده ۹ کاملاً روشن است، در پی اختیاراتی که مصدق با ترفند برای مدت شش ماه از بیستم مرداد ۱۳۳۱ از مجلس برای خود دست و پا کرده بود بدون بردن لایحه به مجلس خودش به تنهایی در مقام نخست وزیر آنرا تصویب میکند و مجلس در جریان تصویب لایحه قرار نمی‌گیرد.

دیگر موارد تاکیدی و تحکمی در لایحه بالا قابل توجه است که چطور بدون رعایت اصول جاری در دادگستری و با تحکم تنها در جهت جلوگیری از تظاهرات و اعتصاب‌ها برای حفظ موقعیت دولت خودش، تنظیم شده است.